حیدری موسوی سبزواری

علامه موسوی سبزواری

دکتر فتحیه فتحاله‌زاده
استادیار دانشگاه الزهرا(س)

چکیده
عبدالعالی موسوی سبزواری (1329/1328 هـ) از محدثان و عالماً برجسته عصر حاضر و دارای آثار گران‌سالگی در زمینه دانش‌های مختلف دینی است. در این میان، کتاب موهاب/رحمان فی تفسیر/افزار از چایگاه ویژه برخوردی است تر نوازندگی عظامی علامه موسوی سبزواری را نمایش می‌دهد.

علاوه روایات را شاهرخ افرادی که به همین دلیل در بین محققان و سایر محققین مورد توجه قرار دهند. روایات استفاده می‌گردد.

برای رفع ابهام از روایات یا حل تعارض میان آن‌ها، شباهت‌های میانه فلسفی از قبیل توجه به دلالت الفاظ، پدیداری معنا مجازی و کنایه و نیز تأویل تناقض در کلیه علائم قابل بررسی است. چایگاه تقد در حوزه حیدری موسوی از عالماً بیانگر این است که به روایات معارض در این مورد واقعیت اعتماد نمی‌کند در بررسی روایات صحت سندها و با توجه به محضویت حیدری، نظر قطعی خود را در این باره می‌ده و گاه به راحتی و طرف در حکم می‌گردد.

کلیدواژه‌ها
علامه موسوی سبزواری، موهاب/رحمان فی تفسیر/افزار، حیدری، روشن‌گرایی.
60 دویستمین حجتیه‌های سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان 1388

بيان مسئله

سید عبدالعلی موسوی سبزواری از مفسران و محدثین عصر حاضر (۱۳۲۸/۱۳۴۱) در اثر اریشمندی در علوم مختلف به عنوان یکی از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود.

علامه در نقل روايات و استناد به آنها از منابع حدیثی شیعه و اهل سنت استفاده کرده است؛ آثاری که تفسیر قرآن، تفسیر عیشی، تفسیر میسوب به امام حسن عسکری، مجمع الیت، کامی معنوی اخبار، تفسیر البلازه و اسلامی شیخ محمد از مهم‌ترین منابع حدیث شیعه و کتب صحاح مسلم، القدر المشرو، و اثبات النزول واحدی از مهم‌ترین منابع حدیثی اهل سنت است؛ اما بررسی اینکه علامه در نقل روایت از این آثار تا چه میزان به آنها اعتماد می‌کرد است، مطالعه و تطبیق.

در این نوشته، درباره انديشه‌های حدیثی علامه سبزواری در کتاب مجاوبه الرحمان در تفسیر القرآن به ود نقل سؤال همکاری پاسخ داده شده است: اول اینکه، نویسندگی این اثر به روایت و نقش وی در تیبیت حدیث و با حل تعارض میان آنها چگونه است؟ دوم آنکه، معیارهای نقل حدیث از نگاه علامه کدام است؟

1. استفاده علامه به روايات

علامه روایات را نشان می‌شود که قرآن در نزد بر این است که قرآن، متن سنت است و برای هم متن باید به سنن رجوی کرده‌اند که موسوی سبزواری، ۱۴۸۱، ج۵، ص۴۸ با نظر به این نظرکرده و در تفسیر آیات فراوانی به روایت استناد کرده و از سنت مخصوصان بهره‌برده است.

شیوه بحر مخصوص علامه از روایات را می‌توان در دو بخش بيان معنا و تعبیر مصداق بررسی کرد.

۱- بيان معنا

برخی از روایات، دلایل و مقاصد آیات را که در تیبیت آنها بسیار مفید و مؤثر است، بيان نموده، البته در روایات گاه معنای ظاهری و گاه معنای باطنی که فراتر از ظاهر لفظ است، مورد نظر می‌باشد.
روایاتی از جهت ظاهری آیات رفع ابهام نموده، از جمله امام باقر (ع)، درباره آیه‌ای بود که آنها آتشان آتشو اصیل با گرفتن و صاحبی با به‌پنداشته و انت‌الله لطف‌الله، (ال عصران) ۲۰۰۰، (ع) علم‌رضا نبی اعظم فرمان صبر کنید و در مقابل دشمن شکیبا باشید و با امام منظر، بیوند برقرار کنید. نیز امام صادق (ع) صابر، را به صابرهمی الکبیر که به همکاری دوست‌الله است (شیخ صدوق، ص ۳۶۹ و علاء‌اله موسوی سبزواری، ص ۱۳۸۵) حسینی، قبلاً موسوی سبزواری، این را قبلاً در مقابل دشمن می‌داند. (رک: موسوی سبزواری، ۱۴۸، ص ۷۱۷)

نسبت ابی‌صالح ذیل آیه‌ای الامیر باین ناتوارا الیتیاب من ظهورها ولیکن الیتیاب این و آنها الیتیاب من آبیرها و انت‌الله لطف‌الله، (بقره) ۱۸۹ (ع) این بیان اعضا روابط که در عصر جاهلی؛ هرگاه مردی احراز می‌ست آگر ساحتکه‌انه بود، سوارایی از پشت خانه ایجاد می‌کرد و از آنجا رفت، و آمد مینوهود و آگر چادشنی بود، از پشت خیمه وارد می‌شد، اما آیه شریفه، این عمل جاهلی را باطل کرد است موسوی سبزواری، ۱۴۸، ص ۱۱۸)

النها روابط مرتبط به تفسیر و بیان معنای آیات به این حد خلاصه نمی‌شود، بلکه گاهی از معنای ظاهری فراتر رفته و به بطنی آیه برداخته است. در مورد آیه پیشین، روابطی از امام باقر (ع) قول شده: (آن‌ها الیتیاب من آبیرها) به علیه آن بیان آخر از وجه ای امیر کان (ع) علیه بری از (۱۴۱۱، علیه) ۱۰۰ به علیه اینکه باید هر کاری از مجازات صحیح و درست انجامش داشته که معنای ظاهری الفاظ در آن مراد نیستن بلکه بنا به مفهوم علاء‌اله موسوی سبزواری، بیان یک آیه، یک معنای کلی است که از بطن آن استنباط می‌شود. (موسوی سبزواری، ۱۴۸، ج ۳، ص ۱۱۸)

در تفسیر اسحاقی الله و از احسان من الله صیفه (بقره) ۱۳۸، از صادقین وارد شده به مقصد از صیفه، پیامب مؤمنان در مشته ولیت است. (ع) علاء‌اله موسوی سبزواری این معنای را به عنوان پیش از بطنی آیه پذیرفته و معتقد است (صیفه الله) مرتبت زیادی از جمله مرتبه اسلام و ایمان را نیز شامل می‌شود. (رک: موسوی سبزواری، ۱۴۸، ج ۱، ص ۹۲)
۲- تعیین مصداق

دسته‌ای از روایات، مفهوم آیه را در فرد نقاشی و یا جریان مشخصی جستجو کرده‌اند. برخی از مفسران، رویکردی این دسته از روایات را اجرای و تطبیق نامی‌بندند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۴۴؛ بنای این نام‌گذاری روایتی است که بر جریان داشتن قرآن در طول زمان دلالت دارد. (رک: مجلسه، ۲۶۴، ج ۷۲، ص ۸۹) کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۲۷/۲۳۲/عباسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۰۰) از امام صادق (ع) روایت شده: "تأویل قرآن در طول زمان، بسام خورشیدی و ماه جاری است" (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹۲) بر این اساس، علامة موسوي سبزواری روایات تطبیقی را از مورد نظر آیه خارج می‌داند و آنها را از قبل تعبیر کلی به فرد معرفی می‌کند.

اینکه بیان مواردی از این نوع روایات می‌پردازد:

روایاتی از فرقین دریافت اهداف الصراط المستقيم؛ وارد شده که به راه انبیا و نزی راه پیامبر و خاندان رسول خدا و یا مطیع به خاندان پیامبر (ص) تفسیرشده است.

همچنین اغیزه‌های خاص است. هر چیزی از تربیت و نیازهای حاصل شده است (فمی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۹) علامة موسوي سبزواری تمامی این روایات را از قبل تعبیر کلی به فرد می‌داند (رک: ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵) از امام عسکری (ع) در معانی "الذین یؤمنون بالغیر" وارد شده که مقصود ایمان آوردن به هر آن چیزی است که از حواس انسان مخفی است و نمی‌تواند ایمان به بعد بهشته و درخواست و حسن‌نامه و (مام عسکری، ۱۴۰۹، ج ۷۱) از امام صادق (ع) یکی نقل شده که مقصود ایمان به قلم قائم است (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۲۳) علامة موسی سبزواری چون بسیاری از این روایات را از باب تطبیق می‌داند،

در بیان معنی این آیه مینویسد: "اغیب، شامل امور غیر عیب‌های می‌شود که بشر را به سوی خدا فرا می‌خواند" سپس آیه را با عصر خود تطبیق داده و می‌فرماید: "در عصر حاضر، ایمان مسلمانان به پیامبر اسلام (ص) و سایر انبیا از مصداق ایمان به غیب است" (۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷۲)

همچنین در کامی از مفسران علامة شفیعی ابتکار می‌کند: "وَللهِ میراث السماواتِ وَاللّهِ بما تَعَطَوْنَ خُبْرًا (آل عمران: ۱۸۰) کرَآرَش شَدَه"
حیدری یوزه علامه موسی سبزواری

است: «کسی که زکات مالش را نپردازد، خداوند در روز قیامت از آنها بی‌احترامتی کلینه» (کلیه، ۱۱۳۸، ج، ۳/ص ۵۰۲).

در تفسیر عباسی نیز آمده که یمام در دربار این قول خداوند فرمود: «کسی که زکات مال نخواهد ائتمک و زراعت و تاکستان خود را نپردازد، زمین او در هفت زمین پیچیده شده و تن چیزی بر گردنش آویخته می‌شود» (عباسی، ۱۴۱۱، ج، ۱/ص ۲۳۲).

علامه موسی سبزواری می‌نویسد: «روایاتی که این مضمون بسیار است و همین این که از باب مثال و ذکر مصداق است و آن‌ها به فرم است که مصداق بی‌پرهب و منفی می‌شود؛ صدق می‌کند؛ البته منع از زکات از مهم‌ترین مصداقه بی‌پرهب است» (۱۴۱۸، ج، ۷/ص ۱۴۶).

به طرف ذکر به دیگری از روایات بیان مصداق باطنی پرداخته و مفهوم آن را برطی از بطن تطبیق داده‌اند.

امام باقر، در تفسیر «آنانی که با هما گذران آنانی» (بقره: ۱۳۶) می‌فرماید: «مقصود از مان از آنانی» علی(ع) فاطمه(س) حسن(ع) و امامان بعدی است» (عباسی، ۱۴۱۱، ج، ۱/ص ۸۱) موسی سبزواری نیز روایت را از مصداق باطنی برخوردار و می‌گوید: «با توجه به تمام مؤمنان تنها نیازدارند» (۱۴۰۹، ج، ۲/ص ۶۶) و یک درباره آنانی که تعیین آن آن‌ها در نظر می‌گیرد، امام صادق(ع) وارد شده: «الاصلاهام، آنانی که معناها نیست و لولاهم ما عرف الله عزوجل و بهم است که بی‌تناک و تعاسی این حقه» (کلیه، ۱۳۸۸، ج، ۱/ص ۱۹۳).

علامه موسی سبزواری می‌نویسد: «هم سبزواری این روایات، موسی سبزواری نیز هست و هر کس که تصیه ندارد کسی است که صورت داشته باشد، معنا این روایت را به‌همه و در ریاپاد که مقصود، شناخت حقیقی پرورده‌گار است که نه‌ها در پرتو راهنمانیان حقیقی امکانی ندارند است و امامان معصوم(ع) بهر را به نحو مظلوم با خدا آشنا می‌کنند» (۱۴۰۹، ج، ۳/ص ۱۱۸).

در روایت امام صادق(ع) درباره اولیت بیان‌الله و بلعثهم اللاتین(بقره: ۱۵۹)،
مصادر یادداشته شده در این دو قسمت؛

(الف) مخصوص نداستن مورد نژول

احکام و معایر مقرر کریم اختصاص به زمان یا فرد خاصی ندارد، بلکه در تمامی عصرها و نسل‌ها جریان دارد. بر این اساس، ندادن معنی‌های آیات را به مورد نژول نحلة کردن. اغلب مفسران و قرآن‌خوانان به عموم الفاظ آیات نمکند و مورد نژول را مخصوص حکم کلی آیه نمی‌دانند، (رک: طبیعت‌بایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۸۷ معرفت، ۱۴۱۵ قیام ج ۱، ص ۲۶۱، حججی، ۱۳۷۹ قیام ج ۱۳، ص ۳۷۰) گر چه افرادی ممانند زرقانی، حکم عام آیه را به مورد نژول آن محدود نمی‌سازند و عموم لفظ را دخالت نمی‌دهند. بنابراین، حکم سایر مصداق‌های را از طریق قیاس و جر این استنباط می‌کنند.

(رک: زرقانی، ۱۴۴۳ قیام ج ۱، ص ۵۰۱-۵۰۷)
مرجع موسی مرودی از جمله مفسرانی است که مبنای اکثریت را پذیرفت و معنادید است روایات که مورد نزول آیات را بیان می‌کند، نصرانی در دلست علام آیات ندارند. برای نمونه، روایات متعددی از منابع غربی ذیل ایشان شریفه دیده اند که علل آیات به‌ناصیحه که نزول آیات را درباره انتقال حضرت علی ع. برده‌بافته، (عیسی) 14/11/14 هجری، ج 1، ص 551/این کتاب، 1419 ه.ق، ج 1، ص 155 و آخرین نسخه‌های مورد روایات که در مورد آیات نقل شده، برداشته و در نهایت، مورد نزول آیات در باب انتقال علی ع. را در رأس سایر روایات می‌داند؛ گرچه این اشاره‌های موجود در روایات علی ع. در میاند مصداق آیه محسوب شود. (رک: 14/9/14 هجری، ج 1، ص 544/توضیحات 400) همچنین، به‌گزارش تفسیرهای مامی باقر حسینی، (عیسی) 12 میلادی، بروز و جشن تحصیر اکثریت دیگر اعضا، (عیسی) 12 میلادی. برکت وادی به فردی به حضور الله الحرام نگه‌دارید، به‌حوزه شاد شهید و گفتنی‌ها می‌باشد. وقت‌هایی که به‌واقعیت می‌گذارند، پس به خداوند که این پرستش را داده‌اند، ایمان بی‌پایند. اما آخر روز کفر و زیرا به بیان الله الحرام، تغییر قبیل قبیل داده است. (قمی، 14/5/1376) علامه موسی مرودی این روایت را بیان مصداق آیه می‌داند، اما حکم آن را به مورد نزول اختصاص نمی‌دهد زیرا سبب نزول، مخصوص حکم نیست. (رک: 14/5/1376) گفتنی است مفهوم برخی آیات اختصاصی است. در این صورت، گرچه دلایل ظاهری ایه، در این صورت، مورد نزول را می‌توجه به معناها به معنای آیه می‌دانست. مانند آیه‌ای از عیسی (ع) که به استناد روایات، می‌گوید: 'در شأن حضرت علی ع. ایجاد شده است' (رک: 44/5/1414 ق، ج 1، ص 1311/بخاری، 1414 ق، ج 1، ص 58/قمی مسلمی، 1436 ق، ج 1، ص 544/توضیحات 400).
موسوی سبزواری، شاهد عقلی را هم مؤید همین معنا گرفته و سایر روایات اسابی نزول آن آیه را در شأن صهیب ۱ و یا ابی ملجم جعلی می داند. (رک: ۱۴۰۹، ج. ۳، ص ۲۲۶)

ب) عدم پذیرش نسخ اصطلاحی

در روایاتی به نسخ اصتلاحی این آیات از مرالان شده است. علامه موسوی سبزواری این موارد را نسخ اصتلاحی نمی داند و در دلایل این روایات تصرف می کند. از جمله در این سخن خداوند: «الرجال تصبیغ می‌کنند» ترک آل‌ریزان و «الذین آن‌الذین که از می‌آیند» ترک آل‌ریزان می‌گویند. می‌گویند: (تعداد: ۷) روایت وارد شده که با آیه «یا یومن‌الکبیر» (تعداد: ۱۱) نسخ شده است. (قمی: ۱۳۶۷، ج. ۵ ص ۱۳۱)

موسوی سبزواری این روایات را از قبل اجمال و تبیین می داند. بنابراین، قول مرحوم طبرسی را مبینی بر غیر منسوخ بودن آیه به این دلیل که مطابق با اصل و اجماع امامی است. می‌پیشنهد. (رک: موسوی سبزواری، ۱۴۰۸، ج. ۷ ص ۳۱۶)

بنی ذلول قول پردرکار ۱۱۲.۲۸۷: «الذین آن‌الذین که از می‌آیند» ترک آل‌ریزان و «الذین آن‌الذین که از می‌آیند» می‌گویند. می‌گویند: (تعداد: ۱۵) آمده است که در جاهلیت اگر مردی مرتکب زنا می شد گرفته گرفته و مورد آزار قرار گرفته، اما در مورد زن حکم بود که نباید در خانه محبوب می‌ماند تا از دنبال گرفته گرفته، اگر حکم با آیه «الذین آن‌الذین که از می‌آیند» قابلکنند که واحدها واحدها الهام علیه غذاها طبقه‌مندان، یک‌دستی. (نور: ۲) نسخ شد. (عیاشی، ۱۴۱۴، ج. ۱ ص ۲۳۵)

موسوی سبزواری می‌نویسد: «مقصد، نسخ مصطفی میان فقهی و اصولیان نیست بلکه ابطال حکم جاهلی با تشريع جدید است.» (۱۴۱۸، ج. ۷ ص ۳۷۴)

ج) استنباط از روایت

علامه موسوی سبزواری در استناد به روایات، گاه مسائل و مطلبی را استخراج 

1. صهیب بن سنان از اصحاب پیامبر(ص) است که در کتب رجال شیعی تضعیف شده است. (خویی، ۱۴۱۰، ج. ۹ ص ۱۴۳)
حذفی‌های علامه موسی‌سیبزوری □ ۶۷

نمونه و بدین وسیله مقصود واقعی معصوم را تبیین کرده است. از جمله علی بن سوید از ابوالحسن (موسی بن جعفرع) در مورد گواهی داده و شهادات پرسش می‌کند. امام می‌فرماید، «واح خدا گواهی بهد صندر تا یا ودلندا یا به‌صحب غافل، اما گذش یتزر کرده و وقتیان دارید، گواهی داند، که یازم نیست.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج۲۷، ص۱۲۵)

موسی‌سیبزوری از این روایت، چند مطلب را انتباق می‌کند:
1. گواهی دادن پدر و باید باشد زیرا این نوع گواهی، داد پدر و عدل و قسمت مردان به هی و ماظهور صفات پورودگار است.
2. خویشاندی نباید مانع اجرای حق و عدل ترین شود.
3. دیل روایت دلالت دارد بر اینکه گاهی قاضی به حق داوری نمکنند، در نتیجه به صاحب حق ظلم می‌شود و یا مستلزم ضرر و زیان بر مشهودشان است. (بی‌تای، ج۱۰، ص۴۲)

در روایت دیگری ایجاییه‌خوند می‌گوید: از امام صادق(ع) شنیدم در شیوه‌ای این: (الذین امّیو لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کیفْوَ ثَمَّ لّهُمَ، کبیلّه،) نسیم (۱۲۷) فرمود: «این آیه درباره کسی است که دو لیان شراب حرام است، اما این را می‌نوشد یا حرم را را می‌داند، اما یکانی که زنا می‌شود و نازر و جواب زکات را علم دارد، اما این را نمی‌پردازد.» (عیاشی، ۱۴۱۱ ق، ج۱، ص۷۳)

مسائلی که علامه از این روایت استخراج نموده، دقت نظر علامه در رفع نعوض ظاهری روایت با آیه و نیز تعارض آن با سایر روایت‌ها می‌فهمند.

1. معصوم و گناه مرتبط‌های از کفر است. البته بین این روایت و روانی‌اتی که ترک واجب و فعل حرام را موجب کفر نمی‌داند، تنش‌های وغل‌دارند. دوبارا روایت مورد بحث، مربوط به مرتبط‌های اولی کفر است و روانی‌هنی را کفر مرتبط‌های اولی را منظور نظر دارد. گروهی ممکن است روایت، در مقام اکثر حکم باشد که اینکار ضروری تلقی می‌شود. در این صورت، فقها اتفاق نظر دارند که چنین اینکار منجر به کفر می‌شود.

2. سباق آیه گرچه در مقام بیان مرتبط‌های اولی کفر است، تمسک امام به آیه در
کفر به فروع، قرینه است بر اینکه کفر وارد در آیه، علامه است و شامل کفر به فروع هم می‌شود.

۳ ایمان باید بر منبئ حجت ظاهراً باشد و در آن، مختصر بودن شرط است.

پس اگر کسی از روی اجرای دست از ایمان بردارد، مشمول آیه و حديث نخواهد بود. (موسی سیوواری، پیتا، ج ۱، ص ۲۴)

۴ نیز از امام صادق (ع) وارد شده که رسول خداوند، بی‌کی از والدین، و علی‌ع) والد دیگر است. اسلام این است اینکه که این مطلب در کتاب‌های قرآن است؟ حضرت این آیه را تلاوت نمود: «و اعیانوا الله ولا تُشْرَكُوا به شیئاً و پالِئْدَنِينَ إِسْمًا» (نساء: ۳۶) توضیحیه قریب به همین مضمون وارد شده است.

(عیاشی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۲۸)

علائم موسی سیوواری از این رویاه، مطلق است و علایم این است که این دو مقصود، مبادی ترپیت، نشو و نما و هدایت است و همیشه ممکن است. خاکی این دو مبنا، پدر و اولویت امران.

۶ آیاتی که احسان به والدین را توصیه می‌کند، شامل پدر روحی و جسمی هر دو می‌شوند. به احسان پدر روحی جان جامع کمال و صفات پسته‌سیده است، پیشگی مورد تأکید است.

۷ از رویاه فهمیده می‌شود که نهایی خدائی شیفتگی مقام ابوت و پدراند که کامل ترین و برترین صفات پسته‌سیده را دارا باشند و این مقام نیز به پیامبر (ص) و علی (ع) و امام‌ع (یعنی) مختص می‌شود. (۱۴۱۸، ج ۸، ص ۲۰۰)

در مورد آیه «یعنی آنکه ما نخواهیم آقایان را به آرامی و اگر حکم‌های آن‌الاساس از آن‌ها و اگر حکم‌های آن‌الاساس از آن‌ها» این آیه نمی‌توان یک‌یک به آمام‌ع را می‌شود. و اگر این آیه کانونیت یابیارد شده که مقصود، امام‌عیند و در برخی رویاه‌های آمده که امام امام‌عیند را به امام ماما بعدی بسپارد و در ادیت امام‌عیند کونده‌ای نکن. (کلی، ۱۲۸۸، ج ۱، ص ۲۷۶)

علائم این رویاه را از یاد تطابق بر اکمل مصاحبه دانش و مسئله‌ای را از آنها استخراج کرده است.
۱. شنایخت امام بعدی و معرفی آن توسط پیشوای قبیلی، مطلق با فطرت سلیمان است و در آن، مصلحت عموم نهفته است زیرا مردم را از ضلالات و گمراهی حفظ می‌کند.

۲. امام، امری ارزشی است و باید در شخص امام، شایستگی امام که همان عصمت است، وجود داشته باشد.

۳. هر امام حامل امانات الهی است و باید این امانات به امام بعدی که همین وی‌گه‌یا را داراست، منتقل شود.

۴. امامان، بندگان خالص پروردگار بوده، وجودشان امانات الهی در روزی زمین است (۱۴۱۸، ج. ۸ ص: ۳۲۷–۳۲۸).

(۵) تعلیل روایت

که روایت روایت که روایت، مسئله‌ی احکامی به طور کلی بیان شده، بدون آنکه به علم آن تصمیم گیرد بیان شده، مثل مسئله‌ی حکم را بیان نموده است، در روایت امام رضاع) قائل به جبر را کافر و قائل به تفويض را مشترک معرفی کرده است (مراعتی: ۱۴۰۹، ج. ۸ ص: ۴۰۹).

مرحوم موسوی سیوزاری، دلیل حکم را استخراج کرده و می‌گوید: «دلیل که با این امر به جبر، آن است که ظالم را به خدا نسبت می‌دهد و معتقد است، خدا را به بر مبنا همین ظلم، عقوبت می‌کند. قائل به تفويض هم مشترک است زیرا به اراده‌ای مستقل در مقابل اراده‌ای الهی قانع است» (۱۴۰۹، ج. ۱ ص: ۱۴۰).

یا در روایت نبی (ع) (۱۳۷۲، ج. ۱ ص: ۴۴۲) وارد شده علائمی که مورد سؤال واقع شود، موضوع شدن و آن را مانند کند، خداوند، در آخرین لجام، از آتش بیا می‌نندند و این دانشمند کسی است که خداوند دربار می‌فرماید: «و لبک بَلْغُهمُ اللَّهَ وَ لَبَغْهُمُ اللَّهُ الْأَلْغَانُ» (قرآن: ۱۰۹).

علائم، عذابی را که در این حديث آمده است، با این بیان علمتی یابی می‌کند: «چون از بیان حقیقت در دنیا دم فروشته است و هوای نفس لجام آور از اظهار حق است»، این لجام هوای نفس به صورت لجام از آتش در آخرت نمودار می‌شود» (۱۴۰۹، ج. ۲ ص: ۲۰۳).
نیاز آمام صادق(ع) می‌فرماید: "هر کس به خوردن می‌خشد، خون و گوشت خود را در محوطه‌ای، اضطرار بی‌کند و تعلق داده نماید. کافر امام(ع)، (زمره عالمی) قرآن، ج1، ص126 علامه موسی سبزواری، ویکیفا بوئه را مهاجرت با پرورشگر می‌داند و زیرا خداوند امر به خوردن کرده، اما بر اساس امتناع نموده است. پس مفسدی کدر عملی است به اعتقادی (ربک: ۱۴۰۹ ق، ج2، ص۲۷۴)".

یا در تفسیر الازی نینا، اکثراً کتاب تاریخ قزاق تاریخ اولین لیست(بقره: ۱۲۱) آماده می‌فرماید: هم الازی (کلیه) قرآن، ج1، ص۱۰۱ موسی سبزواری در تایید ابن ردی اسناد می‌کند که جن اندام(ع) علم به حقیقت فرقان و بر طبق آن عمل می‌کند، کامل ترین مصداق ابن ایتامد (۱۴۸۱، ج1، ص۴۱۹).

۲. شیوه‌ها رفع ابهام با حل تعارض اخبار

اکنون پس از بیان انواع استفاده‌های علامه به روایت، لازم است به تقسیم این علوم برگرد. در تایید احادیث بیرازیم. علامه موسی سبزواری در مواردی که روایات ابهام داشته و یا در تعارض با یکدیگر بوئه داده، راهکاری را برای رفع ابهام و یا برطرف کردن تعارض اخبار به کار بسته است. در این نوشته به مهم‌ترین راهکارهای علامه پرداخته می‌شود.

۱- بیان معنای حديث

در مواردی ظاهر از نظر تعارض با یکدیگر و علامه موسی سبزواری بیان معنای حديث، تعارض را برطرف و روایات را به هم جمع می‌کند. این جمله در آیه "آن‌الصنا و النشره من عثرا الالله تمیت جهالتی" (۱۴۸) إن جالٔ، در مقال بیان حکم سعی می‌کند و سروه نیست، بلکه در مقال رفع توهیم حکم از زیرا در روایت ایبیک پیامبر اسلام در صلح حکیبی به شرط کرد که برای اسلام داده به خودش خودش بردانسته شود (فمیه، ج1، ص1۳۷۶) در روایت دیگری می‌گوید: "وقتی موسی حج فرا رسید و مسلمانان برای مناسک حج وارد بیت الله الحرام شدند، با پیشتای مواجه شدند که موجبات تریبید..."
آنان را فراهم نمود که آیا حج آنان عملی جاهل‌انه و معشکانه است؟ (سیوئی، 1404، ص 1، ص 120) با این روایات به نظر می‌رسد که شرط پیامبر اسلام، عملی تشده است چون وجود بسته در کعبه موجب تریدید مسلمانان شد.

علامه موسی سبزواری، تنظیم ظاهری روایات را با بیان معنای حديث برطرف می‌سازد و می‌گوید: «مقصود از اینکه در روایت آمدهی بسته‌ای در کعبه وجود داشت، این نیست که شرط مسلمانان در پیمان حدیث‌بندی نادیده گرفته شده باشد، بلکه چه با اقدام به برداشتنش بسته کرده بودند، اما این چنین بهتر از بقایای بسته‌ها بوده است.» (اصفی، 1404، ج 1، ص 193)

نظر در آیه الله علیکم، گنجان آن به فضله من را رپید، (بقره: 198) در تفسیر عاشقی امام صادق(ع) خواص پرواردار را به حیرت و فروش بعد از انجام مناسک معنی کرده است در حالتی که در روایت امام باقر(ع) به غفلت و آموزش الیه تفسیر شده است.

علامه موسی سبزواری این روایات را در تنظیم با یکدیگر نداشتند و فضله الیه را بر طبق روایاتی به رزق معنی می‌کند (بقره: 1416، ص 1، ص 131) و رزق را اعم از مادی و معنوی می‌دانند، پس غفلت الیه از مصالحی رزق معنی به شمار می‌آید (اموسی سبزواری، 1409، ج 3، ص 115)

البته بیان معنای حديث به رفع تعارض ظاهری خلاصه نمی‌شود، بلکه وجود ابهام در برخی روایات چه با موجب عدم فهم صحیح روایت شود در این صورت نیز حديثی‌پژوهان خود را موظف می‌دانند تا برده ابهام از جهت ظاهری روایت برگیرند و زمینه فهم نادرست نسبت به حديث را برطرف سازند. علامه موسی سبزواری نیز از جمله حديث‌شناسانی است که به این مسئله توجه نموده است.

در داستان خلفت حضرت آدم، روایت از امام صادق(ع) در کافی وارد شده که امر الله و لطف باشد و شاعر و دوباره می‌آمده، امر ابلیس از ایسکس آن پیسجد لامد و یک ایسکس و در هیچ‌یک از این ایسکس و چنین چهارشیر و چهار سلیمانه و را نمی‌شود.» (کلی، 1381، ص 1، ص 151) از آنجا که ظاهر روایت، دل بر تغییر در ذات پرواردار است، شرح و بیان معنای حديث، راه را به روی فهم صحیح روایت می‌گشاید. بنا به گفتگه موسی سبزواری.
سیزورای ارادة مخلوق شوق مؤکدی است که از تصویر و تصدیق حاصل می‌شود.
اما این معا درباره ارادة الهی مستلزم آن است که ذات پوردرگار محل حواض بهشد و چنین چیزی محال است. بنابراین امامان مخصوص(ع) ارادة و مقدمات آن را از صفات فعل پوردرگار می‌دانند. نه صفات ذات.
(۱۴۰۹، ج. ۱ ص. ۱۸۹)
در تفسیر علی بن ابی‌طالب در بیان معنا (ایا آنها الذّین َأَمَّتُوا َبَلَّاهُ وَرَحْمَاتُهُ) (نسخه:۱۳۷۶) آمده است: (ایا آنها الذّین َأَمَّتُوا َبَلَّاهُ وَرَحْمَاتُهُ) (قمی، ۱۳۷۶، ج. ۱ ص. ۱۵۶)
علامه موسی سیزورای در توضیح این روایت می‌نویسد: «به وحدائت پوردرگار اقرار و رسول را تصدیق کنید و معنای تصدیق پیامبر، عمل کردن به احکامی است که آوردند: البته بعد از آنکه آمیز به خدا حاصل شد و الا تصدیق حقیقی نخواهد بود.» (بی‌ثأب، ج. ۱۰ ص. ۲۲)
در الفجر المنثور، ذیل آیهِ «اللّٰهُ غَفُرُوا َغَفَرَنَا ُّلَکَّ» (نسخه:۱۳۲۹) از انس نقل شده که پیامبر(ص) فرمود: «خدایی به روز ندا می‌دهد. من پوردرگار عزیز شما هستم، یس هر کس عزت دنبی و آخرت را می‌خواهد باید که از عزیز اطاعت کند.» (سیوپی، ۱۴۴۴، ج. ۲ ص. ۲۳۵)
علامه موسی سیزورای بر فرض صحبت حذف، فیصله مقدس از ندای الهی را نوعی الهام فطری به بندگان می‌دهد. تا مستلزم محترمانه ناشد و عزت و افتخاری از آن خداً نشاند. خداوند به غایب است و هیچ‌گاه مغلوب نمی‌شود. اما اینکه طاعش مستلزم عزت دنبی و آخرت است از پیامبر مطلق مذهب بر سپر است، زیرا فرموده‌داری از عزیز بخشند، مستلزم عزت در دنبی و آخرت است. (زر، ۱۴۳۷، ج. ۱۰ ص. ۲۵)
نیز ابوالجراح در مجموع البیان، از امام باقر(ع) دربارهِ این قول خداوند «وَانْکُوْرَنَا َتَغْفِرَنَا ُّلَکَّ» (اللّٰهُ غَفُرُوا َغَفَرَنَا ُّلَکَّ) (نسخه:۷) تلقی می‌کند: «مقصود از میان خوردن مردم از امالی است که پیامبر(ص) در حجه الوعید و محرم در میان گذاشته و آن عبارت از تحریم محرمات، کفیت طهارت و واجب ولایت است.» (طبری، ۱۲۷۲، ج. ۳ ص. ۱۲۷)
علامه موسی سیزورای در بیان معنا این روایت مسیویه‌سلماق مقصود از تحریم محرمات، تخلیه از رذائل است، همان‌طور که مراد از طهارت، اعمالی از ظاهری و معنی‌ور
حدیث‌های علاء‌موسی سبزواری

است که تحلیباً آن محقق می‌شود و مقصود از ولایت مورفو به بندگان راه صحیح واقعی است که سالما را به حفیظت می‌رساند و از راهای فاسد و بازی‌دار در نهاد توان کسی است که با وحی پیوند کاملی داشته باشد، در نتیجه محشر به پیامبر(ص) و امامان مخصوص می‌شود جنون اسرار شریعت به آنان سیرلری شده‌است بنابراین، تبعین ولایت على (ع) برای حفظ دین، واجب عقلی است و علت مقیسه است و با لسان امتانی که در آیه به کار رفته، تناسب‌دارد (بی‌نام، ج، 1، ص 81)

۲-۲. یکنون کتابی روایت

آورده بیانات در قالب‌های مختلف تشبیه، استعاره و کتابه در انتقال مقصود به خوانندگان نافذتر و رسن و خواهد بود امامان مخصوص نیز کم و بیش این کتابها را در کلام خود به کار بسته‌اند، بهویژه در مواردی که از مسائل فراهمی سخن به میان آورده‌اند. حدیث‌های نیز به فراورد استناد به این گونه روایات، تلاش نموده‌اند تا زبان استعاری و یا کتابی حديث را شرح کرده و پرده ابهام از جزئیات روایات بره‌بریند. سردر صیفی از اصحاب امام باقر(ع) در تفسیر تبیدع السماوات و الارض از آن حفمت نقل کرده است که فرمود: خداوند همه موجودات را به علم خود و بدون کم او مثل آفریده است و آسمانها و زمین هم از جمله موجودات است مکر این کتابی خداوند را نشان‌داده که فرمود: و کان غورشه علیه آل‌ملائیمی (کلینه، ۳۸۸، ج، ۱، ص ۵۶) علاء‌موسی سبزواری استدلال امام به آیه را نویس کتابی میداند از اینکه وقتی جز آپ، چنین می‌گری نباید پس نموده و الگویی نیست که موجودات از روی آن ساخته شوند و یا کتابی از گنتش رحیم پرویزگان است که آیه را مایه حیات فرار داده است. (۱۴۰۴، ج، ۱، ص ۴۹)

نیز پیامبر(ص) فرمود: «اما خلق الله از بشر من بینی ادم الا و قَلْبِه بِی اسْعَبْه مِن اصحاب الله، فإن شاء اقامت و إن شاء، آزاغه» (مجلی، ۱۴۰۴، ج، ۲۷، ص ۴۸) روشی است که مقصود از اسیعیی منفههم ظاهر آن نیست، بلکه مقصود فضا و قدر الهی و روابط پرویزگان و این تعییب کتابی از مفهوم اسیعی یعنی بعض یعنی پرویزگان است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج، ۵، ص ۴۴)
در حديث قدسي آمده: "الصوم لي و أنا أجزی به" (کلیئی، ۱۳۸۸، ج، ص4، ص ۱۳)

موسی سبزواری در توضیح روایت می‌نویسد: "ابن‌های روزه برای خداست زیرا امرقلی بوده و فعل جراحی نیست، پس غیر از خدا کسی از آن اطلاع ندارد و زمانه
اخلاص در آن نسبت به سایر عیادات پیشرفت است".

جمله "انا اجزی به" کتابی از کمال پاداش است و کسی هم به آن اگاهی ندارد.

نظر "علیکه مسلم نشین آن‌که له" (سجده: ۱۷) این در صورتی است که معلوم قرانت
شود. اما بر فرض مجهول بودن، کتابی از قرب و نزدیک روزدارد به پروردگار است،
به طوری که محدود به حداکثر نمی‌شود. در این صورت ذات پروردگار، پاداش چنین
عملی است. (موسی سبزواری، ۱۳۸۹، ج، ص3 ۳۱-۲۲)

انس از قول پیامبر در وصف میان منافقان روایت می‌کند: "مثل صلاة المنافق،
یجلس و برقب الشمس حتی إذا كانت بين قریئ الشیطان قام فتر اربعین. لیسک ان رشک 
اولان" (ابن کتبی، ۱۴۱۹، ج، ص۱۳۰)

علاءهم موسی سبزواری فرمایش پیامبر (ص) را کتابی از سبک شمیردن نماد و
عدم بزرگداشت آن می‌داند که هیئت نماد انجام می‌شود به حیقت و روح آن، زیرا
از نفس مطمئنه سرسکش می‌گرتفه است.

شاید مقصود از قرینی الشیطان تشبيه باشد زیرا انسان از شاخ حیوان هراسنگ
است. همچنین شیطان تمام اعوان و انصارش را همگام طلوع و غروب خورشید
بسیج و همکار مانند حیوانی که برای دفاع از خود یا طعمش، تمام قواش را در سر
جمع می‌کند. با مقصود این است که شیطان همگام طلوع خورشید خود را برای
افزار مردم می‌کند. با مراد آن است که شیطان مغلوب و محروج است و مرکز
یکواهد از حاد خود تجاوز کند به عادت الهی گرفتار می‌شود. این کتابی از زبانی شاید
کتابی از محدودیت قوا شیطانی باشد که طلوع و افلو دارد و استیلای تام بر
بدگان ندارد. (موسی سبزواری، ب، ص، ج ۱۰، ص۲۷ ۷۳)
علاء موسی سبزواری

۷۵

الخیرسن، ابیاتی، ۱۴۱۱ ق، ج، ص۱۰۳

علاء موسی سبزواری، کلام امام را تفسیر آیه‌نامه داند، بی‌گوده:
تشبیه و تشبیه است زیهای روايات زیادی دلست دارند. همهٔ هنگامی چسبانده‌ای، روح و یا
در عالم برخی اولیاء الهی را می‌بینند» (بی‌تاسیف، ج، ص۱۰۳).

۲- حمل بر تفیه

نیا بر متونیات علمی، گاهی امام یک مکانی این‌گونه است. البته در چنین
مواردی، امام حکم واقعی را در جای خود اعلام کرده است و یا مسی‌نوازی با یکه
کارگیری قواعد مربوط خبر تفیه را از خبر حاوی حکم واقعی تشخیص دهید. زیرا
در تعارض این‌گونه روایات نوعاً مرجح می‌باشد. وجود دارد که تأیید یکی از طرفین
تعارض به واسطه دلیل معترض و یا مخالفت یکی از دو طرف تعارض با رأی عامة‌ی از
آن جمله است.

علاء موسی سبزواری تفیه را راهکاری برای حل تعارض روايات دانسته و
نوعاً وجه تفیه را بیان نموده است. از قبیل موافق‌نواز گذاشته و قواعد عمده و
مخالفت حديث با قول مشهور امامی و سایر وجهی که برای تشخیص روایت تفیه
به کار می‌رود.

در کتاب عمده بیان می‌برد: ان‌گونه‌ی این‌گونه، مسی‌نوازی از آموزش تجویز شده است، منصوری این‌جاست.
یکی از اصحاب امام صادق (ع) نقل می‌کند: «نزد امام صادق (ع) بودم که مسی‌نوازی خدمت
ان حضرت آنده و دربار کسی که همسر قبل از دنیا رفته، سوال کرد که
آیا این مرد (ع) که می‌تواند با مادر هم‌سر روانی کند؟ امام فرمود: مردی از ما چنین عاملی
را نجیب داد و می‌آوردی در آن توده‌هایی (کلماتی، ص۱۸۸، ق، ج، ص۲۴۲).

علاء موسی سبزواری این روایت را حمل بر تفیه می‌کند زیرا با ظاهر آیه
۲۳ سورة نساء، روایات متفاوت و اجماع فقهاً که ازدواج با مادر همسر را به طور
مطلق حرام کرده است، در تعارض می‌باشد. پس این روایت، قابل تماسک نبست.
(کتاب: ۱۴۱۸ ق، ج، ص۱۹).

نیاز از امام صادق (ع) سوال می‌شود درباره مردی که با کنیز دیگری ازدواج
می‌کند، بدون آنکه مالکش بدانند. حکمش چهست؟ فرمود: «ان‌گونه‌ی زیرا خداوند
علماً موسی سبزواری این حديث را موافق قواعد عالме می‌داند. زیبا طبق مذهب عالме، ازدواج با کنیز غیر تنوی تصریف در مکی دیگری است که بدون اجازه جایی نیست. پس در صورت عدم اخذ اجازه قهرمان این محسوب می‌شود. (رق: ۱۴۱۸ه)

نزیر در تفسیر این قول خداوند آنیست علیه‌اللّه جناح آن تکذیرید و این الصلاله. این خیمی‌ان تکذیرید (ناسی: ۱۰۱) حریز صاحب کتاب الصلاله، از آمام صادق(ع) نقل می‌کند که مقصود آن است که از دور رکعت نماید، یک رکعت آن کاسته می‌شود. (کلمی: ۱۳۸۸ه، ج.۳ ص۴۵۸)

روایاتی دیگر و قرباب به همین وضع مضمون وارد شده که علماً سبزواری آنها را بر تقيه کرده‌اند. زیرا مخالف با قول مشهور عالمة است و نیز موانع مذهب عالме؛ البته حمل این روایات بر حالت اضطرار و شدید ترس را نیز خالی از وجه نمی‌داند. (موسوی سبزواری، بیت‌نامه، ج.۹ ص۲۱۹)

در روایاتی، عوردن صیدی که توسط یاز شکاری هماد زنان وکلته شود و فرصت تنی بیان نشود، حرام شمرده شده مگر اینکه صیدکننده، سگ تعلیمی باشد.

(کلمی: ۱۳۸۸ه، ج.۳ ص۴۰۴) روایاتی هم مصرف چنین صیدی را گزارش داده، علماً موسی سبزواری روایات جوز را موافق تلقی و معارض با روایاتی دانسته که از قول بیشتری برخوردند. مگر اینکه روایات دال بر جوز را حمل کنیم بر اینکه حیوان به صورت زنده صيد و بعد هم ذیح شده است یا به دلیل وارد شدن جراحات بسیار، مجازاً عونان کشته شدند بر آن اطلاع شده است. بعد هم علماً به روایت از عمام صادق(ع) استاد میرکد که این‌ان تصریح کرد که بدر در این باره نتیجه فرموده است (موسوی سبزواری، بیت‌نامه، ج.۱۰ ص۴۷۲)
جعیل بن دراج پیکی از شاگردان امام صادق ع، از آن حضرت روایت می‌کند که هرگاه مرگ عالم فرا رسید، توبة او پذیرفته نمی‌شد (کلیسی، 1388، ج. 1، ص 47) سپس به این آیه استاد دارد: «انجام الهیّ علیه الله للذین یتَعْلَی اسْوَهَ بِجَهَالَةَ ۖ هَمَّ یُزَوَّرُون» (۱۷) از قریب فارغ‌لیک بی‌بیوهم و کنان الله علمای حکیم‌اند (ناسیه: ۱۷)

علامه موسی سبزواری، عالم را به شخص معناد و لجوی معنا می‌کند که در مقابل پروپدگار استکبار ورزیده است. پس و جهت جمع مبانی روایات که برخی دلالت بر پذیرش نبود و برخی عدم پذیرش را می‌فهمانند، این است که زمان فرا رسیدن مرگ، توبة شخص عالم عادم و مستکبر مثل فرعون پذیرفته نیست چرا که انسان جاهل و غیر عادم توبات پذیرفته می‌شود وی به روایات مختلفی در تأیید این وجوه جمع استناد می‌کند. (ر.ک: ۱۴۱۸، ج. ۷، ص ۹۱-۹۲)

در کامی از امام صادق ع، نقل شده: «هرگاه بر ذهنه کسی دو ماه روزه پیاپی باشد، اگر در ماه اول افطار کند یا بیمار شود یا بیمار روزی باشد را از سر یکم، اما اگر ماه اول را روزه گرفت و در ماه دوم به دلیل عارض شدن عذری افطار کرد، در این صورت قضاً روزه را می‌گیرد و از سر گرفتن روزه‌ها لازم نیست.» (کلیسی، ۱۳۸۸، ج. ۴، ص ۱۳۸)

اعلامه موسی سبزواری، فرض از سر گرفتن روزه‌ها را از افطار عمده یا عارض شدن بیماری یا حمل کرده که مانع روزه گرفتن نیست. اما در صورت اضطراب اگر افطار کرده باشد قضاً آن روزه کفایت می‌کند. (ر.ک: ۱۴۱۸، ج. ۷، ص ۳۸)

نیز این بی‌معنی در کامی از امام صادق ع، روایت می‌کند: «کل رازه تفنق قبل قیامت الفاظی فصاحها طاغوتی بعد من دون الله» (کلیسی، ۱۳۸۸، ج. ۸، ص ۳۹۷) روایات دیگری نیز قرب به همین پیشون وارد شده است.

علامه موسی سبزواری، وی روایت را عدم امكان اجرای حق و عناد را اجتماعی به طور کامل میداند که در این صورت، حق با باطل مشابه می‌شود؛ اما اگر دولت حق ظاهر شود، مجالي برای باطل و غیر حق نخواهد بود زیرا همانطور که در برخی روایات هم وارد شده، عقول و نشان بشری به اشراقات رسانی کمال
بافت‌ه است؛ الیته این روایات در تنافی با روایات دال بر وجب قیام به تبلیغ و تطبیق
احکام نمی‌باشد. (رک: 14: 18، ج: 8، ص197)
علاهما موسی سبزواری در مواردی برای رفع ابهام از ظاهار روایات، به‌بيان
وجوه و احتمالات متعدد در تنبیه حديث می‌کوشد. ازجمله، امام باقر و امام صادق
عليهما السلام در تفسیر عباسی در مورد ابن قول خداوند ایفا از پیامبر کتابی او به او،
که نواح و تنبیه‌های ملی‌یش (نسبه: 132) می‌فرماید: "الله او، او بَیِّین کما او، او به او،
نواح و تنبیه‌های بعده فجمع له کل وحی،" عباسی، 2114، ج: 1، ص: 331
علاهما موسی سبزواری جند وجه را در این روایت محتوم می‌داند:
1. وحی بر پیامبر(ص) با وحی بر سایر انبیا تفاوتی ندارد.
2. وحی بر پیامبر کاملتر از وحی است که بر سایر انبیا صورت گرفته، به
عبارت دیگر به دلیل اشرف بودن پیامبر(ص) بر سایر انبیا. اقدام مستندت انجام
می‌گردد که وحی نازل شده بر او کاملتر باشد.
3. احکام کلی و معافی الهی که بر سایر انبیا وحی شده، با اضافاتی بر
پیامبر(ص) نازل شده است مانند حکم روزه.
4. آنچه بر پیامبر نازل شده، به ناحیه احکام کلی و جزئی بدون هیچ تفاوتی
همان است که بر سایر انبیا نازل شده است. الیته وجه اخته را علامه موارق سباق
آباد و نیز مطابق ظاهر روایت نمی‌داند. (بیت: 1، ج: 18، ص 181)
یا در تفسیر على بن ابراهیم ذیل گفته پروتکل با اهل الکتاب قد جابه. لما رضویا
یا ان شک کرامه و حیث علیه ان الکتاب و اهل قد جابه. دم از الله نور و كتاب
ثبتی مانده‌(15) پیامبر(ص) می‌فرماید: "بهین کلمه‌ای ما اختفیمونه معاً فی التوارة
من اخباره و بیدع کثیر از لبیبته،" (قلمی، 37: 4، ص: 134)
علاهما موسی سبزواری علت عدم بدان پیامبر(ص) را نسبت به آنچه در تورات
آمده در جند وجه جست وجو می‌کند:
1. نظری همین معافی در قرآن هم آمده است.
2. مقصود احکامی است که در شریعت اسلام تغییر نکرده است.
3. در بیان، تأخیری صورت گرفته تا اندیشه آنان با براهن ریایی تکامل یابد.
حیدرشکوهی علامه موسوی سیزواری

4. سایر وجوهی که ممکن است در این مقدم گفته شود از جمله اینکه پیامبر، رسول رافع و رحمت است. (بیوتا، ج. 11، ص. 109)

5. تصرف در معنای حديث

مفهوم برخی از روایت‌های این حقيقت است که برای پذیرش روایت باید در معنای آن تصرف کرد. زیرا در چین مواردی حمل لفظ بر معنای ظاهری چه با مستلزم امری باطل و بی‌اساس باشد. علامه موسوی سیزواری این گونه روایات را مورد توجه قرار داده و با بیان تأویل روایت و انحراف از معنای ظاهری، آن را قابل قبول کرده است.

در سباب النقول از قول ابن عباس وارد شده که پیامبر(ص) فرمود: «وقتی برادران شما در نیروی به شهادت رسیدند، خداوند ارواح آنان را در جنگ‌های بردن سرزنش قرار داد که از نهروهای بهشت می‌گذشت و از میوه‌های بهشتی نابود می‌کرد. وقتی این همه آسایش و نعمت را چشیدند گفتند: کسی از حال خوش ما برای برادرانمان در دنیا خبر بدهد تا آنان نیز در امر جهاد مشتاق نشوند و از جنگ کتاره نگیرند.» خداوند فرمود: "من پیام شما را خواهمن رسانند." سپس این ایه 129 سورة آل عمران را نازل کرد: "و لا تختیا دينين دين او في سبيل الله أفظوانا بَلَّ أُمِّيَاء

عند رضوان‌الله (واحدی نیشابوری، ق 1419، ص 176)

در الدور المتوج نیز این روایت به طرف مختلف از ابن عباس و دیگران نقل شده است. (رک: سپهتی، 1404، ج. 2، ص. 96)

علامه موسوی سیزواری معنی است این روایات را باید مطابق قواعد عقلی و نقیب به تأویل بردن چون محصور کردن مؤمن در چین، پرده امری بعید بیش نظر می‌آید. از این روز ممکن است بگویم مقصود از چنین پرده، بدنهای مثالی است که در آن دنیا این گونه مثل می‌شوند. می‌خواهیم این تأویل را علامه در جزیه آیه 153 سوره بقره نیز باشد. (رک: 1418، ج. 2، ص. 86)

نیز در سباب التنذیر و احادیث نیشابوری (ص 103) ذیل آیه «سأ أريح أهل الدين آمنوا

کونوا قومين بالشفاء» (ناسا: 135) وارد شده که این آیه درباره پیامبر(ص) نازل شده
زیرا ثروتمند و فقیری مثابه‌خونوی را نزد پیامبر آردن و رسول خداست (ص) به نفع فقیر حکم کرد به این اندیشه که فقیر به غنی نسمی کند. این حکم را عدالت می‌دانست و فقیره‌ا را در خواست نموده و فرمود: این پیامبر غنی از فقیر و قلیه‌ا، خدا به ما نهاده‌ا که کننده بر عهده‌ای و نفتار در خواست باشد (همانجا).

علاماً برای رفع تنافی روایت مورد بحث با موضوع عصمت انجی، دست به تأویل زده و می‌گوید: این چه‌ی ترجیح فقیر به دلیل مصلحت ظاهری بوده و زمانی که مدت این مصلحت سرآمد، آن‌هی نازل بودن فيصلنی نبوده بلکه وقت بوده است. (بیتا، چ 24 ص 277)

سیوطي در الدیدر استور روایتی نقل کرده که مضمون آن‌ها بر ذم انقباض و ترک دفاع از خویشتن دلالت دارد و اینکه هلبی جن دفاع از خویش را ترک کرد، کشته شد. (زکریا، سیوطي، 1404، ج 2 ص 277)

علاماً موسی سیروانی این روایت را تأویل برده به مورد كه دفاع نکردن از خویشتن مسلمان تنظیم حق و تعیید به حذف الیه نشوید و گرنه دفاع از نفس و بارى مظالم و حفظ دین در پراب نجاوگران که مورد تأکید شرع نیز هست، واجب عقلي است. در نهایت علامة می‌گوید: اگر این وجه و تأویل پذیرفتند نشوره باید این دسته از روایات را کنار گذاشت. (بیتا، ج 11 ص 196 – 197)

۳. نقد حديث

از آنجا که حديث مشتمل بر سندها و متن است، در دانش فقه الحديث ملاک‌هایی برای اثبات صحبت با عدم صحبت سندها در نظر گرفته شده است که توجه به راویان حديث و چگونگی سلسله سنده از آن جمله است.

معیارهای هم در متن حديث کاربرد دارد و می‌تواند در اخراج صدور با عدم صدور حديث از معصوم راهگشا باشد.

۳-۱. نقد سنده و متن

علامة موسی سیروانی در تفسیر آیات به روایات توجه ویژه نموده، البته در بسیاری
از موارد با توجه به معیارهای شناختی، شده به نقد و بررسی احاطه‌برداری است و در این جهت، گاهی به نقد سند و متن به صورت همزمان برداخته است ازجمله:
- روايات این جمه که از قول امام رضا(ع) تلقی کرده‌اند حضرت نسبت گنگه به حضرت آدم در مربوط به قبل از نبود می‌دانند و اینکه بعد از نبود گناهی از حضرت آدم سر نده است. (شیخ صدوق، 1372، ج، ص 398)

علماء موسی سیاری روایت‌های روایت‌زکرده کرده و می‌نویسند:
"روایی حدیث ابن جمه است که توسط علمای رجال تضعیف شده است؛ پس از جهت نمی‌توان سقایق روایت می‌فهمند که این روایت از معصوم صادر نشده است، بلکه متساب به معصوم است زیرا در روایت آمده‌که حضرت آدم(ع) از درخت ممنوعه نخورد و این مخالف صریح آیه است نیز ارکان گناه حضرت آدم در مربوط به قبل از نبود می‌دانند و این بنا است اجماع آمیه در تعارض است زیرا اجماع آمیه بر عنصمت اینجا به طور مطلق (قبل و بعد از نبود) محقق شده است،'(146، ج، ص 191) سپس از نقد سننی و متنی، نتیجه‌گیری که این روایت را باید کنار گذاشت و قابلیت اعتماد ندارد."

دستتان ذبح گاو توسط بني‌اسرائیل در روایات متضمن قابلیت شده است؛ برخی از روایات تصریح می‌کند که هر گاوی را بین‌اسرائیل ذبح می‌کردند، البته همه می‌خشد و در روایات دیگری، لحاظ خصوصیات لازم شمرده شده است. (ر: سبزواری، 1404، ج، ص 1/2، تعلیم، ج، ص 171، تعلیم، ج، ص 171)

مرحوم موسی سیاری روایت دسته اول را نقد سنند کرده و می‌گوید: این روایات، نقی‌السند نبوده، بلکه به این نظر متنی هم روایت در مقام بیان خصوصیات نبوده بلکه در مقام مثبت تمایل تعلیم تکلیف است، و در نهایت احاطه‌برداری متغیر را این‌گونه جمع‌بندی می‌کند: "بین‌اسرائیل اگر فرمان الهی را انتقال می‌کردند و در ویژه‌های امر مورد انتقال این همه وسوم به خرج نمی‌دانند، چه بسا حکم مربوط به روایت خصوصیات از آنها برداشته می‌شود." (1409، ج، ص 791)

- در الدرس المتنی از ابوسعید خدیری نقش شده وقتی پیامبر(ص) در روز غدیر خم،
آلاف (ع) را به جانشینی برگردید، جبرئیل آیه‌ای آمده که به‌دنیا آورده که در برخی روایات نزول آن آیه را در روز عرفه دانستند. (سیوی، ۴۰۴ ق، ج. ۲، ص ۲۵۷) علامه موسی سبزواری روایات دسته‌ای اول را متواری و متفق معنی می‌دادند و این‌ها برخی از مفسران را مبنی بر ضعف سند نمی‌پذیرد و می‌گوید با وجود تواتر و بیناناله بودن روایات، این امر را قابل قبول نیست.

علامه بر این، علامه روایات دسته دوم را به‌دست کشیده و می‌گوید این روایات، نقی السند نیست زیرا در سند حديث، جمالی چون سمره و معایبی از این‌ها حضور دارند و این‌ها هم که معلوم الحالند. البته صرف نظر از این اشکال، علامه و جمع روایات را این گونه مطرح می‌کند: «جهد بسی آیه در روز عرفه نازل شده، اما پیامبر (ص) بنا بر مصالحی ابلاغ آن را تا روز غدر به تأخیر انداخته بوده» (همو، پی تا ج ۱۰، ص ۳۳۰) البته موارد دیگری هم یافته می‌شود که علامه موسی سبزواری با نمک به نقد سندی و متنی به حک و تعارض آنها پرداخته است. (ر.ک: موسی سبزواری، ۱۴۰۹ ق، ج. ۳، ص ۱۹۲; ج. ۴، ص ۴۷ و ج. ۵، ص ۱۷۲)

۲-۲-۳ نقش متنی

علامه موسی سبزواری با تکیه بر قواعد نقش متنی روایات را مورد بررسی قرار داده و این بررسی، گاه به حک و تعارض و جمع میان روایات و گاه به طردود رد احادیث انجامیده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

۲-۲-۳-۱ عرضه حديث بر قرآن

روایاتی با این مضمون وارد شده که وقتی پیامبر مبهوت شد به وسیله روزه ماه رمضان بر سایر انبیا فضلت یافت. علامه موسی سبزواری ظاهر این روایات را با قرآن و نیز با روایاتی که بر روزه، گرفتن انبیا و امت‌های پیشین در ماه رمضان دلالت دارد، مخالف می‌داند.

علامه، و جمع جمع روایات را با داور می‌شود که فضائل پیامب اسلام از آن است که در این ماه روزه گرفتن بر او واجب شد، اما برای سایر انبیا معلوم نیست در ماه رمضان به صورت جویبی بوده باشد. (همو، ج. ۳، ص ۲۲)
حیدری‌نژاد علامه موسوی سبزواری 

یکی از شاگردان امام صادق(ع) به نام حارت بن مخبرین از آن امام درسیاره ایست گفته بود که در بهترین آثار این شاعر و محقق تاریخ و نهادی از آثار این دانشمند و با توجه به آنچه که این را علی‌الیه داشته باشیم یکی از بهترین آثار این را علی‌الیه داشته باشیم.

(159) نقل می‌کنند: «قصود، رسول خدا(ص) است» (عیاشی، ۱۱ آیه، ج۱ ص۵۰)

علامه موسوی سبزواری این روایت را با سیاق آیات و نیز با سایر روایات مخالف می‌داند. لذا روایت را بر این معنا حمل می‌کند که ایمان به حضرت عسی(ع) مستلزم ایمان به رسول پیامبر(ص) است، اما به آیه شش سورة صف استفاده می‌کند که حضرت عسی(ع) بشارت به رسول پیامبر(ص) داده است. پس برای اهل کتاب، بوت پیامبر(ص) روش شده است همانطور که می‌دانند عسی(ع)

پیامبری از انبیا الهی است و شریعت مانند سایر شرایع، حق است و بر اساس مقیاس‌ها و شرایط‌های عصری، شرایع راه کمال را بی‌بی‌بی‌یادهانداز و والاحقیت شرایع، یکی است.

است. (رک: ترم. ج۱ ص۱۴۰۰)

مالک و عبدالرزاق در مرد و علی بن میثم، از قول غایب نقل می‌کنند که در قرآن «عشر رضاعت معاملات بود که به مسیله خمس معاملات نسخ شد پیامبر(ص) از دنیا رفت. در حالی که این دو جزء آیات قرآن تلاوت می‌شانند (اسوپی، ۴۰۴، ج۲ ص۱۳۴)

علامه موسوی سبزواری این روایت را به دلیل مخالفت با سیری آیاتی که دلائل بر تحریف‌سازی‌های قرآن دارد، رد می‌کند.

در مورد آیه‌ای از رباب(ص) اللدی فی حجوم(ص) ۳۳( النساء: ۳۳) روایات زیادی وارد شده که در حرم رابیت، می‌بایست با مادی شرط شد اما حجور شرط نشد است. اما در روایاتی از اهل ستانت از قول و ع(ص) شرط حجور در حرم رابیت قید شده است. (اسوپی، ۱۴۰۴، ج۱ ص۱۳۱)

علامه موسوی سبزواری روایات اخیر نمی‌پذیرد زیرا با مفاهیم آیات ۳۲ سوره نساء در تعارض است و نیز با روایات متافاری که حجور را قید حرم رابیت نمی‌دانند. (رک: ۱۴۱۸، ج۸ ص۱۷–۱۸)

گفته است از آنجا که عرضا حدیث بر قرآن به منظور تحقیق احادیث صحیح از غیر صحیح است، طبعاً اگر حدیثی با مفهومی با موضوعی از مفاهیم آیات اطلاعی داشته باشد، دلیل بر صحبت‌اندن حکایت‌های پراز مثال، جمله بین دراج از اصحاب
علامه موسوی سبزواری این حديث را مطلق بیان نشده است، زیرا این دو مسجد عبور کرده‌اند، نسبت به سایر مساجد شرافت دارند. (ر.ک: ۱۴۸۱، ج۱، ص۱۸۱)

۱. آموزه‌های مخصوصی (ع) اساس دین، کتاب و وقت است (کلینی، ۱۳۸۸، ص۱ ۱۷۷-۱۸۸).

۲. در دو مورد دیگر روزه مصرف می‌شود: روزه‌های جمعه و شب.

۳. با اجماع اهل بیت در تعارض است.

۴. روایات دلبر تخلیه یا رخصت روزه در سفر معلوم نیست از لحاظ تاریخی.

بعد از آنچه صوت صادر شده باشد.

۵. تعارض با آیاتی دارد که افتراق مسائل را از این داستان است، (۱۹۹۹، ج۳، ص۱۹)
شود و اینکه به سبب مصالحی مسح بر خفیه انجام شده بعد هم مدت حکم به دلیل مقتضی شدن مصلحت آن سپری شده است. (رک: ت۵، ج۱، ص۴۳)

۳-۲-۲ عرضه حديث بر شان و مقدم ماصوم
علائم موسی سبزواری روایات معارض با مقدم عصمت را نمی‌پذیرد و صریحاً این گوشه روایات را طرح می‌نماید. از جمله روایتی از این عباس در دیدار شیخ وارد شده که فراموشی و حسی را به پیامبر نسبت داده است. (سیروئی، ۱۴۰۴، ج۱ ص۱۰۴) علامه این روایت را مخالف با مقدم نیوت دانسته و می‌گوید هر آنچه بر پیامبر (ص) و حسی می‌شود آن حضارت به طور کامل آن را به خاطر مسعود و چیزی از آن را فراموش نمی‌کرد. (رک: ۱۴۱۹، ج۱، ص۷۲)

آن در روایت از این عباس نقل شده که شخصی سرقت کرد. اما اسباب اتهام به سرقت را برای دیگری فراهم نمود از پیامبر (ص) درخواست نمودند که سارق را در میان مردم تبرئه کند و رسول خدا (ص) نیز چنین کرد. لذا آیات ۱۰۵-۱۷ سورة نساء نازل شد: "با اینکه را به هرکسی که می‌داند، فی حکم بر نبی‌نامه، اباده به آنان" و "لا تکفیل نفی کنند." (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۹، ج۱۰۰) علامه این روایت را نیز به دلیل تفاوت با مقدم عصمت پیامبر نمی‌پذیرد و آن را کنار می‌گذارد. (موسی سبزواری، بی‌تای، ج۹، ص۲۶۵)
نتایج و گزارش

۱. علامه برای بیان معنای و تعیین مصداق آیات به روایت استناد نموده و در این راستا به مصاديق و معنا زنی باطنی هم پرداخته است. این مسئله می‌تواند بیانگر گستره اندیشه‌ای و نسبت به تأویل و پیام قرآن کریم باشد.

۲. عدم توجه علامه به روایات اسباب زول از آن جهت است که وی آیات قرآن را بر هر عصر و نسلی قابل انطباق می‌داند و اغلب روایات این بخش را از پای تطبيق کلی بر فرد تفسیر می‌کند.

۳. به منظور رفع ابهام از جهته ظاهری روایات و با حل تصمیم اسفار، راهکارهای توسعه علامه به کار گرفته شده است. توجه به معنا معنیی و نیز معنی معنازی از قبیل کتابه، همچنین پرداختن به جوهر مختلف حديث و تأویل آنها از جمله این روش‌های است.

۴. به کارگیری نقد سنی و متنی در روایات به صورت همزمان و تأکید بر نقد معنی روایات با کتابه بر مبانی نقد متنی عرضه حديث بر قرآن و سنن و نیز عرضه آن بر قواعد و اصول عقلی نشانگر عمق اندیشه‌های فقه الحدیثی علامه موسوی سبزواری است.

۵. علامه از منابع حديثی فرقین روایت نقل کرده است، اما توجه او به مضمون حديث و طرید و در برخی از روایات حاکی از آن است که به برخی از این منابع اعتماد کامل نداشته است.
مقاله

1. این بخش مقدماتی بر روی فهرست آثار ادبیات علمی: تحقیقات محمدحسین شمس‌الدین، پیرمرد: دار

2. کتاب علمی، حسن بن علی التفسیر المنسوب به الامام الاعظم: قلم: مدرسة امام مهدی، 4/1409 هـ.

3. ییراسن، سید هاشم: دلیلگری در تفسیر القرآن، تهران: نیاهان، 1316 هـ.

4. بروسوی، اسلام علی: بیان الیوم، پیرمرد: دار الفکر، پرویز.

5. تعلیم، محمد بن ابراهیم: تفسیر القرآن، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، 1379 هـ.

6. حسینی، محمد بن حسن: تفسیر الفیضی، تهران: مؤسسه چاب، و نشر، 1411 هـ.

7. خویری، ابوالقاسم: مجمع جزئیات حکایت، تهران: مرکز نشر آثار نیازه، 1411 هـ.


9. رضوی، محمد: نبات و علم، فهرست تفسیر الیوم، پیرمرد: دار الكتاب العربي، 1407 هـ.

10. مردادی، جلال الدین: علل التفسیر، تهران: قطب علمیه، 1404 هـ.

11. صفحه، سیدعلی: تفسیر القرآن، تهران: عبراء، التفسیر الفیضی، تهران: مؤسسه چاب، و نشر، 1411 هـ.

12. شیخ عالی، پاپاکی: محمد بن علی: عینک اخبار دعا؛ ترجمه حمیدرضا مستقیم، و نشر: کبیر

13. علی، ابن ابراهیم: المجلی، محمد بن صباح: دار الكتاب الاسلامی، 1385 هـ.

14. علی، ابن ابراهیم: المجلی، محمد بن صباح: دار الكتاب الاسلامی، 1385 هـ.

15. علی، ابن ابراهیم: المجلی، محمد بن صباح: دار الكتاب الاسلامی، 1385 هـ.

16. طالبزاده، محمد: دلیلگری فی علم القرآن، قلم: انتشارات علمیه جامعه مدرسین، 1417 هـ.

17. طالبزاده، محمد: دلیلگری فی علم القرآن، قلم: انتشارات علمیه جامعه مدرسین، 1417 هـ.

18. علی، ابن ابراهیم: المجلی، محمد بن صباح: دار الكتاب الاسلامی، 1385 هـ.

19. عمرو، محمد بن عبدالعالی: تفسیر القرآن، قلم: دار الكتاب، 1377 هـ.

20. عمرو، محمد بن عبدالعالی: تفسیر القرآن، قلم: دار الكتاب، 1377 هـ.

21. محمد بن صادق، محمد: دلیلگری فی علم القرآن، قلم: انتشارات علمیه جامعه مدرسین، 1417 هـ.

22. محمد، محمد: دلیلگری فی علم القرآن، قلم: انتشارات علمیه جامعه مدرسین، 1417 هـ.

23. محمد، محمد: دلیلگری فی علم القرآن، قلم: انتشارات علمیه جامعه مدرسین، 1417 هـ.

24. محمد، محمد: دلیلگری فی علم القرآن، قلم: انتشارات علمیه جامعه مدرسین، 1417 هـ.

25. محمد، محمد: دلیلگری فی علم القرآن، قلم: انتشارات علمیه جامعه مدرسین، 1417 هـ.

26. محمد، محمد: دلیلگری فی علم القرآن، قلم: انتشارات علمیه جامعه مدرسین، 1417 هـ.

27. محمد، محمد: دلیلگری فی علم القرآن، قلم: انتشارات علمیه جامعه مدرسین، 1417 هـ.